

شناسایی ویژگی های آموزش و پرورش کارآ و اثر بخش

آزیتا آقازاده

گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، اردبیل، ایران

ایمیل: Aghazadeha2017@yahoo.com

چکیده

آموزش و پرورش، کلید فتح آینده است و از دیر باز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده که انسان های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه ی فردا آماده سازد. بنابراین ضرورت دارد برنامه ریزان و سیاست گذاران آموزشی، معلمان و مسوولان آموزش و پرورش، الزامات و مقتضیات زندگی فردا را بشناسند تا بتوانند دانش و بینش لازم را در کودکان و جوانان برای فعالیت در جامعه فردا پرورش دهند. در راستای این سیاست، شناسایی ویژگی های آموزش و پرورش کارآ و اثر بخش از اهمیت خاصی برخوردار است. مقاله ی حاضر درصدد شناخت ابعادی از این ویژگی های مهم و ضروری می باشد. سپس مطالبی پیرامون برنامه ریزی و اهمیت آن نگاشته می شود، سپس گستره ی آموزش و پرورش نوین مورد بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: آموزش و پرورش، اثر بخش

مقدمه

انسان برای رشد و تعالی نیاز به برنامه‌ها و اهدافی دارد که در جهت سیر مراحل زندگی وی همواره راهگشای او باشد. رسیدن به این نتیجه ضرورت تعلیم تربیت را بیش از گذشته با اهمیت جلوه می‌کند در واقع تربیت است که به انسان زندگی می‌بخشد و زندگی او را از زندگی سایر حیوانات ممتاز می‌نماید. روزگاری مکتب خانه‌ها وظیفه تعلیم و تربیت را در کشور برعهده داشتند، که به دو دسته تقسیم می‌شده‌اند تعدادی از مکتب خانه‌ها خصوصی بودند که در منازل اعیان، اشراف و رجال برای آموزش فرزندان آنان بود و تعدادی دیگر مکتب خانه‌های عمومی بودند که تمام طبقات و خانواده‌ها فرزندانشان را راهی آنجا می‌کردند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که کاستی‌ها و عیب‌های مکتب خانه به مراتب بیشتر از محاسن شان بود که بیزاری از مکتب و بی‌سوادی توده‌ی عظیمی از مردم از جمله نتایج آن بوده است بعد از مکتب خانه مدارس یکی از مهمترین تغییرات نظام آموزشی در کشور ماست که از انقلاب مشروطه و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن بوجود آمد تحولی که باعث شد در گذر زمان نوع مدارس، شیوه‌ها و روشهای آموزشی تا به امروز تغییر پیدا کند طی چند دهه اخیر با تغییر نظام آموزشی و روی کار آمدن شیوه‌های جدید آموزشی، نوع مدارس، نحوه درس خواندن، مدرسه رفتن و استفاده از امکانات آموزشی برای دانش آموزان تغییر پیدا کرده و دیگر به مکتب خانه‌های قدیم هیچ شباهتی ندارند دانش آموزان امروزی در شرایطی به مدارس خود در مقاطع تحصیلی می‌روند که کتابهای درسی تفاوت زیادی با گذشته دارد و محتوای این کتابها براساس نیاز روز تغییر پیدا کرده است حتی شیوه درس خواندن دانش آموزان نیز بسیار متفاوت با زمانهای درس خواندن و مدرسه رفتن پدر بزرگها و مادر بزرگها و حتی پدران و مادران آنهاست در حقیقت آموزش و پرورش را می‌توان کلید فتح آینده دانست که از آن انتظار این بوده است که انسانهای فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه‌ی فردا آماده سازد بنابراین در هر دوره ضرورت ایجاد کرده تا برنامه ریزان و سیاست گذاران آموزشی، معلمان و مسولان آموزشی کشور الزامات و مقتضیات زندگی فردا را بشناسند تا بتوانند دانش و بینش لازم را در کودکان و نوجوانان برای فعالیت در جامعه‌ی فردا پرورش دهند با نگاهی گذار به سیر تحولات کشورهای پیشرفته علمی صنعتی در می‌یابیم که این گونه کشورها یا آینده نگری دقیق و سرمایه گذاری فراوان در آموزش و پرورش خویش نیل به اهداف نهایی خود را تسهیل نموده‌اند.

نگاه اجمالی به پدیده برنامه ریزی آموزشی :

با نگاهی به روند کمی و کیفی آموزش و پرورش در تمام جهان و به ویژه در سطح جهان سوم در دهه‌های اخیر، به خوبی متوجه می‌شویم که ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش، موضوع فوق العاده حساسی بوده که بروز بحران جهانی آموزش و پرورش از جمله نشانه‌های آن است.

هلاک ضمن بررسی روند توسعه منابع انسانی و آموزش و پرورش در سه دهه‌ی اخیر به مشکلات ناشی از افزایش هزینه‌ها و کاهش کیفیت اشاره نموده و سه نیاز اساسی را در میان نیازهای دیگر غالب می‌داند:

۱- توجه بیشتر به کیفیت آموزش و پرورش

۲- صرف منابع مالی بیشتر برای تولید مواد آموزشی مناسب و تربیت معلمان صالح و توانا

۳- بهبود و اصلاح مدیریت و امور اداری و البته، پشتیبانی معنوی و علمی از نظام آموزش و پرورش (میر محمدی، ۱۳۷۸).

اجرای یک برنامه مبتنی بر طراحی کیفیت آموزش و پرورش، مستلزم اطلاعات آموزشی جدید می‌باشد و تقویت تصمیم‌گیری توسط افراد و مقامات، مستلزم تعیین مجدد اختیارات و مسؤولیت‌های آموزشی خواهد بود. نهایتاً این که حتی اگر یک نظام اطلاعات آموزشی به خوبی طراحی و اجرا گردد، آثار آن بر کیفیت آموزشی به واسطه‌ی زمینه‌ی سازمانی که در آن عمل می‌کند، تعیین خواهد شد.

بسیاری از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش در سرتاسر جهان، بر اساس یک مبنای سالانه که سرشماری کاملی از مدارس را در بردارد، اطلاعات زیادی را درباره‌ی مجموعه یکسانی از شاخص‌ها جمع‌آوری می‌کنند، بدون این که فکر کنند این اطلاعات مفید است یا خیر و بدون این که برنامه ریزی ویژه‌ای بر اساس آن انجام گیرد. یک توجیه عمومی برای این روش آن است: ((این کاری است که همواره آن را انجام داده ایم!)) بازنگری جامع در مورد نوع جمع‌آوری اطلاعات و چگونگی استفاده از یافته

های مفید و واقعی می تواند در پاسخگویی به سؤالات کلیدی مربوط به اصلاح فرآیند برنامه ریزی و بهبود کیفیت آموزش کمک کند. این امر مربوط به کلیه ی تصمیم گیرندگان آموزشی- از سیاست مداران در دولت های ملی تا مدیران مدارس و معلمان- می باشد (هلک، ۱۳۷۲).

بازنگری در مسائل آموزشی نیاز به برنامه ریزی به عنوان یک مهارت، تخصیص منابع مالی، انسانی و کالبدی دارد و ایجاد هر نوع تغییری در مقولات یاد شده مستلزم پژوهش های آموزشی کیفی و میان رشته ای است. همچنین برای ترسیم وضع مطلوب ضرورت دارد دورنمای گسترده تری در نظر گرفته شده و چشم انداز دقیق تری از آینده مدنظر قرار گیرد (کریمی، ۱۳۸۱).

از ویژگی های بارز آموزش و پرورش کارآ و اثربخش، استفاده از برنامه ریزی استراتژیک به عنوان یک فرآیند پویا با دورنگری نسبت به واقعیات و موقعیت های موجود است که ارائه ی راهبرد ها و تاکتیک ها ی موثر برای رسیدن به فردای بهتر را امکان پذیر می سازد. در این نوع برنامه ریزی، مشارکت همه ی افراد ذی نفع، ذی ربط و ذی علاقه بر مبنای بازاندرشی، موجب می شود تا در قالب استفاده از ساز و کار برنامه ریزی استراتژیک، ضمن تعریف آینده مطلوب و شناخت وضعیت موجود، به تعیین نیازها بپردازند و برای رفع آنها به گونه ای ((فراکنشی)) اقدام کنند.

وجه به خلاقیت فراگیران :

از دیگر ویژگی های مهم آموزش و پرورش کارآ و اثربخش اهمیت دادن به تربیت خلاق و فضا سازی برای تعامل مخاطب با محیط به منظور عادت زدایی است و این همان اصل ((تازگی معتدل)) در تربیت است که ژان پیاژه از آن در فرآیند تقویت و تجدد ساخت های شناختی یاد می کند. خلق موقعیت های جدید یادگیری، جادوی جاذبه ی یاددهی- یادگیری است، زیرا در پرتو همین موقعیت هاست که رخوت روزمرگی زایل می گردد و فراگیران طعم زندگی واقعی و یادگیری معنادار را می چشند. به ویژه در جریان زندگی پیچیده ی امروزی که هر لحظه در حال نو شدن است و خلاقیت و نوآوری، ضرورت استمرار زندگی فعال، محسوب می شود (عطاران، ۱۳۸۱).

امروزه شعار ((نابودی در انتظار شماست مگر این که خلاق و نوآور باشید))، پیش روی انسانها قرار دارد و آموزش و پرورش، ترغیب به خلاقیت و نوآوری و همچنین هدایت و راهبری به سوی استفاده ی صحیح و جهتدار از استعدادها و توانایی های فردی را به عنوان امری مهم برعهده دارد که این خود زمینه ساز توسعه ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. در جهان کنونی ثابت شده است که استعداد ابداع و خلاقیت در نوع بشر به همان اندازه ی حافظه، عمومیت دارد و می توان آن را با کاربرد اصول و فنون و روش های معین و صحیح و فراهم آوردن شرایط محیطی مناسب، پرورش داد. اهم شرایط لازم جهت پرورش خلاقیت در دانش آموزان عبارتند از:

۱- فراهم آوردن فضای دوستانه و صمیمی در کلاس درس و محیط مدرسه؛(دانش آموز در چنین فضایی، در زمینه ی خلاقیت های کلامی بیشتر رشد می کند و تشویق می شود).

۲- ارائه ی آموزش های لازم به فراگیران در مورد فکر کردن، تمرکز حواس، طرح سؤال و حل مسأله.

۳- تقویت زمینه ی بروز تفکر سیال و طرح سؤالات ذهنی از سوی فراگیران.

۴- آشنا نمودن فراگیران با تصویر سازی ذهنی (بختیاری، ۱۳۸۸).

با تحریک حس کنجکاوی، تفکر و ابتکار عمل در دانش آموزان، بازنگری بر محتوای مطالب درسی و به موازات آن بهره گیری از روش های فعال تدریس در دوره های مختلف تحصیلی، می توان در خصوص پرورش قدرت خلاقه ی فراگیران گام های مؤثری برداشت.

محیط های آموزشی :

ویلیام گلاسر در کتاب " مدارس بدون شکست " اظهار می دارد که مدارس، موفق نشده اند راه کسب هویت را با استفاده از نیازهای احساس مسؤولیت و احساس ارزشمندی به کودکان بیاموزند. وی شکست را از یک سو در ((مبادله ی محبت)) و از سوی دیگر در ((کسب احساس ارزشمندی)) خلاصه کرده است و مدرسه را کانون مهمی برای جلوگیری از این دو نوع شکست

می داند و لزوم و چگونگی مشارکت مدارس در ارضای نیاز محبت دانش آموزان و مهم تر از آن فراگیری شیوه ی تفکر و حل مشکلات را علاوه بر علم در ارضای نیاز به احساس ارزشمندی به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار داده است. این موارد مربوط به جو عاطفی محیط های آموزشی و نوع روابط حاکم در مدارس می باشد (بختیاری، ۱۳۸۶).

شرایط فیزیکی محیط آموزشی نیز در کنار شرایط عاطفی در کارایی و اثربخشی نظام آموزش و پرورش، نقش مهمی را ایفا می کند. امروزه شرکت های بزرگ با استخدام متخصصان ((مهندسی و مدیریت منابع انسانی)) و صرف مقادیر زیادی از وقت و هزینه، در پی حصول این اطمینان هستند که آیا محیط فیزیکی - ساختاری آنها برای فعالیت کارکنان شان مناسب است یا خیر. به همین ترتیب در طراحی فضاهای آموزشی باید ترتیبی داده شود که موجبات تسهیل در امر تفکر انتقادی و یادگیری فعال فراهم گردد. در حال حاضر و علی رغم ورود به قرن بیست و یکم، با قدم گذاردن به کلاس های درس در بسیاری از محیط های آموزشی ایران، شاهد عدم مطلوبیت و نقایص ساختاری آنها هستیم. برای مثال، همچنان در اغلب مدارس، صندلی ها یا نیمکت ها در یک صف مستقیم پشت سر هم قرار دارند، به طوری که دانش آموزان صرفاً "بتوانند معلم را ببینند بدون این که قادر به دیدن تمام هم کلاسی های خود باشند و فرض بر این است که صرفاً" معلم منبع تمام اندیشه ها و تفکرات مهم است (جعفری، ۱۳۷۳).

در کلاس های کوچک، می توان وضعیت را به نحوی اصلاح نمود و باعث تبادل افکار بین دانش آموزان گردید. میزها و صندلی ها را می توان به شکل های دایره ای، چهارگوش، یا نیم دایره مرتب کرد و از این طریق، حس مشارکت دانش آموزان در "فرآیند یاددهی- یادگیری" را تحریک و تقویت نمود. هدف اصلی باید این باشد که دانش آموزان قادر باشند تا ضمن تحرک در جای خود، گروههای کوچک چهار تا شش نفره تشکیل دهند و توسط معلم، در قالب محیطی دلپذیر، به سمت یادگیری هرچه بهتر هدایت شوند. می توان گفت بهترین محیط کلاس درس، محیطی است که در آن دانش آموزان به مهمانانی شبیهند که از آنها به خوبی استقبال می شود و معلمان به منزله ی میزبانان مهمان نواز عمل می کنند (جمال زاده، ۱۳۷۳).

از نظر شادابی و نشاط محیط یادگیری در سال های اخیر مباحثی مطرح و خوشبختانه گام های موثری برداشته شده است، اما نیاز به پی گیری و جدیت بیشتری احساس می شود. در این رابطه، نقش مدیران مدارس، بسیار اساسی است زیرا یک مدیر می تواند با در نظر گرفتن سلاقی و نیازهای دانش آموزان تغییراتی را در محیط مدرسه ایجاد نماید به نحوی که دانش آموزان احساس رضایت کنند و دلبستگی بیشتری به حضور در محیط مدرسه داشته باشند(گلاس، ۱۳۸۱).

فناوری اطلاعات :

قرن بیست و یکم، قرن دانایی است. به عبارت دیگر، قرن تغییر از جامعه ی صنعتی به جامعه ی فراصنعتی یا جامعه ی اطلاعاتی است. با رشد و گسترش فناوری اطلاعات، دارائی های ناملموس به ویژه دانش و دانایی، نقش خود را پر رنگ تر کرده و باعث ایجاد ارزش افزوده می گردد. اگر فرهنگ یاددهی- یادگیری در نظام آموزشی تحول نپذیرد نه تنها ورود فناوری اطلاعات به این نظام، هیچ گونه تغییر و تحولی را ایجاد نخواهد کرد بلکه به تقویت سنت های محافظه کارانه ی آموزش خواهد انجامید زیرا این فناوری اطلاعات نیست که به تنهایی موجب تغییر می شود بلکه این انسان ها هستند که عامل اصلی تحول، تلقی می گردند (سرکار آرانی، ۱۳۸۱).

توسعه ی فناوری اطلاعات در نظام آموزشی کارآمد، نه فقط یک انتخاب بلکه یک ضرورت غیر قابل انکار است و گام مهمی در اصلاحات نظام های آموزشی محسوب می گردد. کاربرد فناوری در آموزش و پرورش باید به نحوی انجام گیرد که تعاملات انسانی مخدوش نگردد و تعلیم و تربیت صرفاً" در قالب استفاده از پاره ای دستگاه ها و وسایل مکانیکی خلاصه نشود(معین پور، ۱۳۸۲).

نتیجه گیری و پیشنهادات :

از این مقاله می توان چنین نتیجه گیری نمود که نظام آموزشی کارآ و اثربخش، نظامی است که با اهداف نهایی و نیازهای واقعی جامعه تناسب داشته و توانایی آماده سازی نسل جوان را برای نیل به اهداف دارا باشد.

اگر مسؤولین برنامه ریزی در همه ی سازمان ها و مؤسسات کشور، وظیفه ی خود را به نحو احسن انجام دهند و بهترین برنامه ها را برای رفع مشکلات و پیشرفت در جهت مطلوب تدوین کنند و برای آنها بودجه کافی نیز در اختیار داشته باشند اما نیروی انسانی لازم برای اجرای برنامه ها از قبل تأمین و تربیت نشده باشد، کاری از پیش نخواهد رفت و قدمی برداشته نخواهد شد. مهم ترین چالش آموزش و پرورش در هزاره ی سوم، سیاست تغییر و تبدیل است. تبدیل نظام آموزشی فعلی به آموزش و پرورش کارآ و اثربخش، به همان اندازه که اهمیت دارد، عملی خطیر است. ترسیم ویژگی های چنین نظام آموزشی با رسم یک دیاگرام یا تدوین یک مقاله، میسر نیست، بلکه ضرورتاً نیاز به مطالعه و پژوهش دقیق در تحولات و تغییرات اجتماعی دامنه دار در یک جامعه دارد.

پیش از بیان ویژگی های آموزش و پرورش کارآ و اثربخش، باید بر لزوم همکاری همه جانبه ی ارگان ها و سازمان های کشور در حل مشکلات آموزش و پرورش تأکید می شود. در این راستا، رعایت اصولی از قبیل هماهنگی نظام آموزش با نیازها و برنامه ریزی های توسعه و پیش بینی برای تربیت معلم مجرب و متبحر، امری بدیهی است. استفاده از برنامه ریزی استراتژیک، کاربردی کردن نتایج و مطالعه و تحقیق در جهت استفاده از تجربیات سایر کشورهای جهان، و کاربردی کردن نتایج حاصل از آن، تمرکززدایی در نظام آموزشی، تغییر و اصلاح محیط های آموزشی با توجه به تحولات جدید، عنایت به فراگیران و حضور فعال آنان در عرصه ی فعالیت های یاددهی- یادگیری به عنوان یکی از اهداف اصلی سیستم آموزشی از جمله ویژگی های آموزش و پرورش کارآ و اثربخش محسوب می شود. در پایان، به منظور دست یافتن به چنین سیستم آموزشی، پیشنهادات ذیل و بکار بستن آنها در نظام آموزش و پرورش کشور، می تواند راهگشا باشد:

۱- انطباق نظام سیاست گذاری، برنامه ریزی و تصمیم گیری آموزشی با تحولات نوین جامعه در زمینه ی توسعه ی فرهنگی، سیاسی و تربیتی.

۲- بهسازی مداوم نیروی انسانی آموزش و پرورش در قالب بازسنجی و با هدف کیفیت بخشی و کارآمد ساختن نیروی انسانی.

منابع:

- ۱- بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۶)، درس هایی از ژاپن، خبر نامه انجمن دوستی ایران و ژاپن، سال هفتم، شماره ۱۶،
- ۲- بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، فرهنگ آموزش در ژاپن، نشریه پیوند وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۶۳،
- ۳- جعفریان، محمد (۱۳۷۳)، آموزش و پرورش در ژاپن، انتشارات کوکب.
- ۴- جمال زاده، سید رضا (۱۳۸۱)، ویژه نامه ی معلم و شیوه های تربیت، مدیریت آموزش و پرورش فلاورجان.
- ۵- سر کار آرانی، محمد رضا (۱۳۸۱)، فرهنگ آموزش در ژاپن، تهران: روزنگار.
- ۶- عطاران، محمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن، فناوری اطلاعات (IT) و تعلیم و تربیت، انتشارات آفتاب مهر.
- ۷- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۱)، آموزش به مثابه پرورش، انتشارات پژوهشکده ی تعلیم و تربیت.
- ۸- گلاسر، ویلیام (۱۳۸۰)، مدارس بدون شکست، ترجمه ی حمزه ساده، انتشارات رشد.
- ۹- معین پور، حمیده (۱۳۸۲)، فناوری اطلاعات و ارتباطات و نقش آن در آموزش و پرورش، آئین فرزانه‌گی، جلد دهم، ستاد بزرگداشت مقام معلم، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- ۱۰- مهر محمدی، محمود (۱۳۷۸)، گزارش تحلیلی از پنجمین کنفرانس بین المللی یونسکو، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، انجمن ایرانی تعلیم و تربیت.
- ۱۱- هلک، لارس (۱۳۷۲)، برنامه ریزی کیفیت آموزش و پرورش، ترجمه ی سعید بهشتی، انتشارات فرزندگان.